

۱۶۶- ای یار با وفا همچو گمان مفرما که از یادت آنی فارغم لا و الله هر دم با کمال وفا بذکر تو پردازم و از درگاه احدیت آنچه سبب راحت و رستگاری توست طلبم اما حکمت بالغه بسیار هر کس مطلع بر اسرار نه رحمت منبسطه و حکمت کلیه الهیه مقتضیاتی دارد که عقول بشریه از ادراک آن عاجز و قاصر اگر تنگی و آزرده‌گی و مشقت متزاید است غم مخور لطف و عنایت حق نیز متتابع چه بسیار که انسان از امری گریزان و بامر دیگر در نهایت آرزو امیدوار عاقبت واضح و آشکار شود که امر مرغوب ضار و مضر و امر منفور نافع و موافق پس ره تسلیم ببیما و خود را تفویض کن از هیچ محنتی دل‌تنگ مشو و به هیچ منحتی امیدوار مگرد آنچه خدا خواهد بآن مسرور و راضی باش تا راحت دل و جان یابی و مسرت قلب و وجدان جوئی عنقریب این زحمت و مشقت بگذرد و راحت جان و مسرت وجدان حاصل شود